



پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت



ویژه‌نامه

سیاست

سیاست پژوهی تحول قوه قضائیه

تیر ماه ۱۳۹۹ - هفته قوه قضائیه

بِسْمِ
اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت

عنوان: هفت تیر؛ ویژه‌نامه سیاست‌پژوهی تحول قوه قضائیه

تاریخ انتشار: تیر ماه ۱۳۹۹ - هفته قوه قضائیه

شمارگان: محدود

نشانی: خیابان ولی‌عصر، خیابان بزرگمهر، خیابان سرپرست، پلاک ۱، طبقه اول

تلفن: ۶۶۹۷۴۳۲۸-۶۶۹۷۴۴۵۸

درآمد

براساس اصل یکصدوپنجاه‌وششم از قانون اساسی، «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت» است. همچنین، براساس اصل یکصدوشصت‌ویکم و اصل یکصدوهفتادوچهارم از قانون اساسی، قوه قضائیه با داشتن حق نظارت بر حسن جریان امور و اجرای قوانین، نقشی مهم در کارآمدی نظام اسلامی دارد و انتظار می‌رود با ایفای وظایف و پیگیری مأموریت‌هایش، بازدارنده از فساد و حافظ حقوق عامه باشد: قوه‌ای نجات‌بخش، آرامش‌بخش و امنیت‌آفرین. از این‌رو، پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت، بررسی مسائل سیاستی مربوط به این دستگاه را از سال ۱۳۹۵ در دستورکار خود قرار داد و با تدوین «نظام مسائل قضائی»، کارگروه «حقوقی قضائی» را تأسیس کرد و به سیاست‌پژوهی قضائی پرداخت.

آنچه در این ویژه‌نامه پیش‌روی شماست، بسته‌ای تحلیلی سیاستی شامل: ۱ تحلیل سیاستی، ۱ پیشنهاد سیاستی و ۵ یادداشت سیاستی است. مهمترین مسائل و چالش‌های دستگاه قضائی که در این بسته به آن‌ها می‌پردازیم، عبارتند از:

۱- حاکمیت گفتمان «قضاوت‌بنیاد و قاضی‌محور» بر دستگاه قضائی؛

۲- اداره سنتی و بوروکراتیک دستگاه قضائی؛

۳- رویکرد پسینی و انفعالی در نظارت‌های دستگاه قضائی بر اجرای قانون و حسن جریان امور؛

۴- هدررفت منابع مالی با وجود نظام بودجه‌ریزی سنتی و ضد عملکردی در دستگاه قضائی؛

۵- نبود الگویی کارآمد، متناسب و مؤثر در گزینش و آموزش نیروی انسانی، به‌ویژه قضات؛

۶- جایگاه متزلزل امر پیشگیری از وقوع جرم در گفتمان قضائی کشور؛

۷- حجم بالای ورودی پرونده به دستگاه قضائی به‌واسطه خلأهای قانونی و استفاده غیرمؤثر از نهادهای جایگزین قضاوت؛

۸- الگوها و رویه‌های حبس‌گرا و زندان‌گستر؛

۹- کم‌توجهی به نقش‌های غیرقضائی دستگاه قضا در اداره کشور، به‌ویژه در نظام اقتصادی و محیط کسب‌وکار.

همچنین، مهمترین توصیه‌ها و پیشنهادهای سیاستی برای تحوّل قضائی،

براساس بسته تحلیلی - سیاستی فوق، عبارتند از:

۱- حاکمیت گفتمان «عدالت‌محور» و «تربیت‌گرا» بر دستگاه قضائی با

بهره‌گیری از توان و ظرفیت خبرگان و متخصصان همه رشته‌های حوزوی،

دانشگاهی و عملی مربوط به مسئله عدالت؛



۲- هوشمندسازی دستگاه قضائی، به معنای استفاده مؤثر از فناوری‌های روزآمد و هوش مصنوعی در همه سازوکارها، فرایندها و رویه‌های دستگاه قضائی، برای دستیابی به موارد زیر:

۱-۲- اداره مردم‌سالار خدمات قضائی؛

۲-۲- شکل‌گیری تقسیم کار ملی، فرابخشی و فرادستگاهی در

پیشگیری از وقوع جرم؛

۳- ایجاد نظام بودجه‌ریزی مأموریت‌گرا، نوین و مبتنی بر عملکرد؛

۴- ایجاد زیرساخت‌های نظارت فعال و فوق‌فعال (آینده‌نگر، پیش‌بینی‌کننده و

بازدارنده) دستگاه قضائی بر اجرای قانون و حسن جریان امور؛

۵- ایجاد زیرساخت‌های مناسب در جذب، گزینش، آموزش و نگهداشت نیروی

انسانی، به‌ویژه قضات؛

۶- بهبود محیط کسب‌وکار و زمینه‌سازی برای جهش تولید؛

۷- اصلاح امور زندان‌ها و کاهش جمعیت زندانیان.

۸- در اولویت قرار دادن اصلاح قوانین ثبتي مالکیتی و قوانین مربوط به نظام

تجاری با همکاری مجلس شورای اسلامی برای کاهش چشمگیر حجم ورودی

پرونده به دستگاه قضائی؛

۹- تأکید بر امر پیشگیری و تلقی از آن به عنوان یک اصل در نظام قانون گذاری و دستگاه قضائی کشور.

اولین اثر در این بسته تحلیلی سیاستی، تحلیل سیاستی با عنوان «تحوّل دستگاه قضائی، پیشران جهش تولید در ایران اسلامی» است. پس از آن، پیشنهاد سیاستی با عنوان «طرح الحاق یک ماده ای به قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار» و سپس، یادداشت های سیاستی به شرح زیر ارائه می شوند: «پیشگیری سازمان یافته و هوشمند از وقوع جرم»؛ «لزوم استفاده از دستیاران جوان در قوه قضائیه»؛ «زدان زدایی و اصلاح مجرمین»؛ «عدالت الکترونیک و قوه هوشمند»؛ «فراز و نشیب های لایحه تجارت».

با درود به روان پاک شهیدان عالی مقام راه عدالت، شهید آیت الله بهشتی و شهدای بزرگوار هفتم تیرماه و نیز با گرمی داشت هفته قوه قضائیه، امید است اثر حاضر گامی کوچک بر راه عدل گستری و استیفای حقوق عامه باشد.

معاونت سیاست گذاری علمی

فهرست مطالب

- ۱- تحوّل دستگاه قضائی، پیشران جهش تولید در ایران اسلامی ۱
- ۲- طرح الحاق یک ماده‌ای به قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار ۲۷
- ۳- پیشگیری سازمان‌یافته و هوشمند از وقوع جرم ۳۳
- ۴- لزوم استفاده از دستیاران جوان در قوه قضاییه ۴۱
- ۵- زندان‌زدایی و اصلاح مجرمین ۴۷
- ۶- عدالت الکترونیک و قوه هوشمند ۵۵
- ۷- فراز و نشیب‌های لایحه تجارت ۶۵

پیگیری متوازن همه‌ی وظایف، یکی از مسائلی است که باید مورد توجه باشد؛ یعنی ما وقتی که به یکی از این وظایف سرگرم شدیم، مشغول شدیم، از بقیه‌ی وظایف غافل‌نمانیم و آنها روی زمین نمانند. حالا مثلاً فرض کنید که احیای حقوق عامه از جمله‌ی این وظایف است که خیلی هم مهم است. احیای حقوق عامه بسیار چیز مهمی است؛ یا نظارت بر حُسن اجرای قوانین که این در قانون اساسی، جزو وظایف قوه‌ی قضائیه است؛ یا پیشگیری از وقوع جرم یا اصلاح مجرمین؛ اینها همه جزو وظایفی است که در قانون اساسی ذکر شده و هر کدام یک فصل مُشبع و مهمی دارد.

بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه، ۹۹/۴/۴

تحلیل
سیاستی

تحول دستگاه قضائی، پیشران جهش توپید در ایران اسلامی

تحلیل‌گر: دکتر میثم علی‌پور (معاون سیاست‌گذاری علمی پژوهشگاه)

ناظر: دکتر سید پیراه پور سید (استادیار دانشگاه امام صادق علیه‌السلام)



خلاصه مدیریتی

در این نوشتار، دستگاه قضائی به عنوان رکنی مهم در تحقق جهش تولید در نظر گرفته شده است. این دستگاه بر بسیاری از شاخص‌های بهبود محیط کسب‌وکار اثرگذار است و ارتقای کارآمدی آن می‌تواند به بهبود محیط کسب‌وکار و زمینه‌سازی برای جهش تولید بیانجامد. هرچند، دستگاه قضا نیازمند تحوّل است و با تغییرها و بهبودهای جزئی نمی‌تواند اثرگذاری چشمگیر بر محیط کسب‌وکار داشته باشد. «تحوّل قضائی» عبارت است از: پیشرفت آگاهانه دستگاه قضا با ارتقای شایستگی‌ها و لیاقت‌های درونی، تصویرپردازی از آینده‌ای مطلوب و کوشش برای دستیابی به آن با طراحي مشارکتی و هدفمند. در همین‌امداد، شکل‌گیری تحوّل قضائی نیازمند «گفتمان تحوّل»، «فرهنگ تحوّل» و «اقدام تحوّل» است که باید در برنامه‌ریزی‌های تحوّل دستگاه قضا به آن توجه شود.

پنج آبرچالش و کلان‌مسئله فراراه دستگاه قضائی است که حلّ و رفع آن‌ها می‌تواند به تحوّل بیانجامد: اول، هوشمندسازی دستگاه قضائی، به‌معنای بهره‌گیری از فناوری‌های روزآمد و هوش مصنوعی در انجام وظایف و پیگیری مأموریت‌ها؛ دوم، نظارت فعال و فوق‌فعال، به‌معنای بهره‌گیری از بصیرت و آینده‌پژوهی در پیش‌بینی جرایم و مفاسد و بازدارندگی از وقوع و تحقق آن‌ها؛ سوم، اصلاح نظام بودجه‌ریزی

دستگاه قضائی، به معنای اجرای بودجه‌ریزی نوین و مبتنی بر عملکرد و عبور از نظام بودجه‌ریزی فرسوده، سنتی و ضد عملکرد؛ چهارم، هدایت جریان پیشگیری از وقوع جرم، به معنای راهبری همکاری ملی و فرادستگاهی برای پیشگیری از وقوع جرم؛ پنجم، کاهش حجم پرونده‌های ورودی به دستگاه قضائی، به معنای استفاده از ظرفیت‌های کنونی در قوانین و نهادهای جایگزینی چون: داوری، مشاوره و وکالت و اصلاح قوانین ثبتی مالکیتی.

دستگاه قضائی می‌تواند پیشران جهش تولید باشد، اگر:

۲- در سطح گفتمانی از گفتمان کنونی «قضاوت محوری» به «عدالت محوری» تحوّل یابد، به شرح:

۱-۲- گفتمانی فرارشته‌ای با بهره‌گیری از اندیشه‌ها و تخصص‌های دیگر (غیر حقوقدانان)؛

۲-۲- ملتزم به برخورد با مصادیق تضییع حقوق عامّه، بی‌آن که شکایتی طرح شود، و جدی در بازدارندگی از وقوع دوباره آن‌ها بازمی‌دارد؛

۳-۲- آینده‌پژوه، هوشمند و بصیر.

۳- در سطح کارکردی، از اداره سنتی امور قضائی به اداره مردم‌سالار خدمات قضائی تحوّل یابد، به شرح:

۱-۳- تصویر عمومی دستگاه قضائی به‌عنوان دستگاهی «خویش‌فرما» تغییر کند و

مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی اجتماعی در آن به اصل تبدیل شود؛

۲-۳- «عقلانیت اداری» حافظ منافع بوروکراتیک تحوّل یابد و پای‌بندی کامل به

رویکرد «مردم‌سالاری اسلامی» با عقلانیت راهبردی و تضمین منافع

شهروندی (مردم) حاکم شود؛

۳-۳- منافع عمومی با گفتگو درباره ارزش‌های مشترک تضمین شوند؛

۴-۳- خدمات قضائی به‌جای آن که به «ارباب رجوع» یا «مشتری» ارائه شود، به

«مردم» (شهروندان) ارائه می‌شود؛

۵-۳- نقش دستگاه قضا، خدمت‌رسانی، چانه‌زنی و کارگزاری برای تحقق منافع

عمومی و توزیع منافع بین مردم باشد.

واژگان راهنما: تحوّل دستگاه قضا، جهش تولید، هوشمندسازی، نظارت فوق

فعال، پیشگیری از وقوع جرم

۱- پیشگفتار

«تحول» نوعی خاص از تغییر است. تغییر می‌تواند کند، جزئی، تدریجی، جبری و واکنشی باشد؛ می‌تواند کوششی انتقال‌دهنده باشد که در آن، حفظ وضع موجود اصل و مبنا باشد و با حلّ برخی از مسائل، بهبودی جزئی در نهادها و سبک زندگی پدید آید. در مقابل، «تحول» پرشتاب، کلی، دفعی، آگاهانه و فعالانه است؛ مشارکت در پیشرفتی آگاهانه با ارتقای شایستگی‌ها و لیاقت‌ها، تصویرپردازی از آینده مطلوب و ساخت آن آینده با طراحی مشارکتی و هدفمند است. بنابراین، دستیابی به «تحول» تکاملی آگاهانه است که از «بسط آگاهی» و «آگاهی از پیشرفت» پدید می‌آید. از این‌رو، «تحول» به تغییر در پندارها و انگاره‌ها نیاز دارد تا از باورهای پرنفوذ و رایج کنونی به سوی باورهایی دیگر کوچ شود که آگاهی و خلاقیت را پیش برند و حرکت اجتماعی فرهنگی را متحول سازند.

براساس آنچه بیان شد، «تحول قضائی» عبارت است از: پیشرفت آگاهانه دستگاه قضا با ارتقای شایستگی‌ها و لیاقت‌های درونی، تصویرپردازی از آینده‌ای مطلوب و کوشش برای دستیابی به آن با طراحی مشارکتی و هدفمند. در همین امتداد، شکل‌گیری تحول قضائی نیازمند «اندیشه تحوولی»، «فرهنگ تحوولی» و «اقدام تحوولی» است که باید در برنامه‌ریزی‌های تحوولی دستگاه قضا به آن توجه شود.

دستگاه قضائی به موجب بند «د» از ماده ۱۱۳ قانون برنامه ششم توسعه، مکلف به ارتقاء شاخص‌های حقوقی و قضائی است. شاخص‌های توسعه حقوقی و قضائی در جدول شماره ۱۶ این قانون نشان می‌دهند که قانون‌گذار بهبود جزئی تدریجی وضع موجود را با توسعه حقوقی و قضائی برابر نهاده است. براین اساس، خبری از تحوّل خواهی و حرکت پرشتاب دستگاه قضا در قانون برنامه ششم نیست. همچنین، قانون‌گذار بر مأموریت «رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدّیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات» بیش از همه مأموریت‌های دستگاه قضا تأکید کرده است؛ درحالی‌که، دستگاه قضائی ۸ مأموریت دیگر دارد که اهمّیت و اولویت‌شان از آن مأموریت کمتر نیست. این تأکید نشانه‌ای برای حاکمیت «تفکر قضائی» بر سیاستگذاری‌ها و قانون‌نویسی‌های مربوط به دستگاه قضایی است؛ حال آن‌که، سیاستگذاری قضائی به تضارب آرا بین خبرگان و اندیشه‌ورزانی از رشته‌های گوناگون علمی نیاز دارد و «مدیریت دستگاه قضا» با «مدیریت دادگاه» متفاوت است! در همین امتداد، نقش تعیین‌کننده و اثرگذار قوه قضائیه در نظام اقتصادی و محیط کسب‌وکار با تأکید بر مأموریت‌هایی چون: «تثبیت و حمایت از حقوق مالکیت مشروع و قانونی اشخاص»؛ «احیای حقوق عامّه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع»؛ «نظارت بر حسن جریان امور و اجرای قوانین» در قانون‌گذاری‌های حقوقی و قضائی

از نظر دور مانده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد قوه قضائیه در پنج شاخص «شروع کسب‌وکار»، «ثبت مالکیت»، «حمایت از سرمایه‌گذاران»، «اجرای قراردادها» و «انحلال یک فعالیت» از یازده شاخص سهولت کسب‌وکار نقش آفرین است. از این رو، دستگاه قضائی هم در مأموریت‌ها و هم در کارکردهای خود، نقشی مهم و اثرگذار در بهبود محیط کسب‌وکار دارد که زمینه‌ای زیربنایی و ساختاری برای جهش تولید است.

در این گزارش، تصویری از پنج اَبَرچالش و کلان‌مسئله دستگاه قضائی ترسیم می‌شود که مانعی پیش روی نقش آفرینی این دستگاه در جهش تولید است. تحوّل قضائی نمی‌تواند نسبت به این اَبَرچالش‌ها و کلان‌مسئله‌ها بی‌تفاوت باشد و اندیشه، فرهنگ و اقدام تحوّلی را بر طرح‌های دیگر بنا نهد؛ زیرا، این اَبَرچالش‌ها و کلان‌مسئله‌ها بر همه چالش‌ها و مسئله‌های دیگر هیمنه و سیطره دارند. همچنین، جهش تولید نمی‌تواند بی‌همراهی دستگاه قضائی تحقّق یابد؛ زیرا، «سرمایه ترسو است» و نیازمند تضمین است و دستگاه قضائی، تضمین‌کننده امنیت سرمایه‌گذاری است! بنابراین، در بخش بعدی تصویری تحلیلی از آن‌ها ارائه می‌شود و درنهایت، پیشنهادها و توصیه‌های سیاستی مناسب ارائه می‌شوند.

۲- تحلیل‌ها

در پژوهشی با عنوان «ارائه پیشنهاد سیاست‌های کلی قضایی برای یک دوره ۵ ساله (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰) براساس بازنگری سیاست‌های پیشین»، اجرا شده در پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت، فهرستی اولیه از مشکلات کلان و حاد دستگاه قضائی تدوین شد. در این فهرست، با استفاده از دو ابزار پژوهش کتابخانه‌ای و مصاحبه، پژوهش‌های مربوط به نظام قضائی، گزارش‌های تحلیلی، آسیب‌شناسی‌های پیشین، گزارش‌های عملکرد قوه، مصاحبه‌های مندرج در مطبوعات و رسانه‌ها و مصاحبه‌هایی با خبرگان و متخصصان، ۲۹۰ مشکل اولیه شناسایی شدند. در گام دوم، مشکلاتی که با بیان‌ها و زبان‌های گوناگون یک معنی را افاده می‌کردند، در یک مشکل تجمیع شدند و پس از انجام این ویرایش، ۱۸۰ مشکل باقی ماندند. این مشکلات به مأموریت‌های نه‌گانه قوه قضائیه، به شرح زیر تخصیص داده شدند:

- ۱- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع: ۱۹ مشکل؛
- ۲- رسیدگی و صدور حکم درمورد تظلمات، تعدّیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات: ۴۲ مشکل؛
- ۳- اخذ تصمیم و اقدام لازم در امور حسبیه: مشکلی شناسایی نشد؛

- ۴- نظارت بر حسن جریان امور و اجرای قوانین: ۲۶ مشکل؛
- ۵- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین: ۱۹ مشکل؛
- ۶- اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام: ۱۳ مشکل؛
- ۷- اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم: ۲۰ مشکل؛
- ۸- اقدامات تأمینی، تربیتی و اصلاح مجرمان: ۲۱ مشکل؛
- ۹- تثبیت و حمایت از حقوق مالکیت مشروع و قانونی اشخاص: ۹ مشکل؛
- ۱۰- سایر : ۱۱ مشکل^۱.

در گام بعد، شبکه روابط مشکلات مربوط به هر مأموریت ترسیم شد. این روابط، گاه از طریق تحلیل محتوای منابع شناسایی مشکلات به دست آمدند و گاه، بداهت همراه با علّیت مبنای ترسیم آن‌ها بوده است. در هر شبکه، مشکلاتی که بیشترین روابط را با سایر مشکلات دارند، به‌مثابه مشکلات کلیدی^۲ شناسایی می‌شوند. براین اساس، مشکل کلیدی آن مشکلی است که علّتی برای تعداد بیشتری از مشکلات است. در همین امتداد، پنج مشکل کلیدی و کلان‌مسئله پیش روی دستگاه قضائی در ادامه بیان می‌شوند.

۱. مواردی که علی‌رغم حد و کلان بودن آن‌ها، رابطه مستقیم با هیچ‌یک از مأموریت‌های قوه نداشتند.

۲-۱ - دستگاه قضائی غیرهوشمند

بسیاری از مشکلات فراراه دستگاه قضائی، در قدیمی و غیرهوشمند بودن ساختار اداری آن ریشه دارد. دستگاه قضائی در سال‌های گذشته گام‌هایی را برای بهره‌مندی از راه‌حل‌های فناورانه برداشته است. هرچند، راه‌حل تحوّل در این زمینه، هوشمندسازی دستگاه قضائی است. هوشمندسازی دستگاه قضائی می‌تواند در دو سطح مأموریت‌ها و کارکردها یا در دو محیط داخلی و بیرونی انجام شود. براین اساس، استفاده از فناوری‌های پیشرفته و هوش مصنوعی در فرایندها و رویه‌های داخلی می‌تواند به روان‌سازی، سهولت و سرعت عملیات داخلی و انجام کارکردهای اداری بیانجامد. برای مثال، در حال حاضر گاه نتیجه استعلام دادگاه از سازمان ثبت در بازه زمانی ۳ تا ۵ ماهه داده می‌شود و به اطلاع دادرسی و نارضایی عمومی می‌انجامد. با هوشمندسازی فرایندها و رویه‌های داخلی، نتیجه استعلام می‌تواند به صورت برخط دریافت شود. در همین امتداد، هوشمندسازی دستگاه قضائی در سطح مأموریتی یا در محیط بیرونی، به معنای استفاده از فناوری‌های پیشرفته و هوش مصنوعی در ایجاد پنجره‌های واحد خدمت‌رسانی بین‌دستگاهی، روابط قوه قضائیه و ضابطان قضائی، روابط قوه قضائیه با نهادهای همکار در پیشگیری از وقوع جرم و ... است. روشن است که هوشمندسازی دستگاه قضائی به معنای دسترسی برخط و در لحظه

به اطلاعاتی است که می‌تواند از وقوع بسیاری از جرایم و مفسد پیشگیری نماید؛ کشف جرم و تعقیب مجرمان را تسهیل و تسریع نماید؛ اجرای احکام را دقیق‌تر، سریع‌تر و قاطعانه‌تر نماید و به افزایش رضایت عمومی بیانجامد. در همین امتداد، گزینش و آموزش نیروی انسانی در جایگاه‌های کلیدی دستگاه قضا می‌تواند با دقت بیشتر انجام شود و مدیریت عملکرد کارکنان می‌تواند با سهولت انجام شود. در همین امتداد، مدیریت هوشمند دستگاه قضائی بر شاخص‌های محیط کسب‌وکار اثر می‌گذارد و زمینه را برای اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران، راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارها آماده می‌سازد.

۲-۲- نظارت پسینی و انفعالی بر اجرای قوانین و حسن انجام امور

هرچند این کلان مسئله، پیامدی برای کلان مسئله پیشین است، از آنجاکه نقش علت را برای مشکلات دیگر ایفا می‌کند، به‌عنوان کلان مسئله شناسایی شده است. این کلان مسئله، برابندی از مشکلات متعدّد است؛ مانند: نبود قانون درمورد نظارت جامع دیوان عالی کشور بر دادسراها و محاکم؛ کمبود نیرو؛ کمبود بودجه؛ حاکمیت تفکر دعوا محور در دستگاه قضائی؛ نبود خوانشی مؤثر از اصل تفکیک قوا.

براساس اصول ۱۶۱، ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دستگاه قضائی با در اختیار داشتن دیوان عالی کشور، دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی

کل کشور، از حق نظارت بر اجرای قانون و حسن جریان امور برخوردار است. نظارت می‌تواند با سه رویکرد انجام شود:

۱- رویکرد فوق‌فعال: در این رویکرد، نظارت همراه با پیش‌بینی و آینده‌نگری است. براین اساس، تقویت روش‌ها و رفتارهای درست و تضعیف روش‌ها و رفتارهای نادرست، پیش از آن‌که ظهوری جدی و آثار و پیامدهای آشکار داشته باشند، در نظارت فوق‌فعال انجام می‌شود. این شیوه نظارت، مستلزم پایش مستمر و تحلیل روندها و شبیه‌سازی اوضاع آتی است.

۲- رویکرد فعال: در این رویکرد، نظارت همگام با اجرا و در طی فرایند و پیش از حصول نتیجه و نمایان شدن آثار و پیامدها انجام می‌شود. تفاوت این رویکرد با رویکرد فوق‌فعال، استفاده نکردن از روش‌ها و تحلیل‌های آینده‌پژوهانه و پیش‌بینی روندهای آتی است.

۳- رویکرد انفعالی: این رویکرد، پسینی است که در آن، نظارت پس از اتمام یک فعل و ظهور آثار و پیامدهای آن، انجام می‌شود. براین اساس، رویکرد انفعالی در بلندمدت، پرهزینه‌ترین و ناکارآمدترین رویکرد نظارتی است.

شواهد و قرائن حاکی از پسینی و انفعالی بودن بیشینه نظارت‌ها و بازرسی‌ها در کشور است. این رویکرد، اقل‌کننده افکار عمومی نیست و آحاد جامعه، حضور یک ناظر عادل فعال را احساس نمی‌کنند. در تاریخ چهار دهه‌ای انقلاب اسلامی،

هزینه‌های سنگینی بر کشور و آحاد جامعه تحمیل شده و بازپس‌گیری حقوق عامه، با هزینه‌های فراوانی همراه بوده است. گاه، مجرم از کشور متواری شده و درنهایت، در دادگاه غیابی محاکمه و برای او رأی صادر شده است. این همه، جبران‌کننده خسارات وارده بر پیکره حاکمیت نبوده است. مواردی از فساد در دستگاه‌های دولتی و عمومی که در گذر زمان به شبکه‌ای درهم‌تنیده تبدیل شده است که مبارزه با آن، طاقت‌فرسا و پرهزینه است و شاید در صورت شناسایی در مراحل نخستین یا پیش‌بینی احتمال وقوع فساد، مبارزه با آن بسیار ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر بود. در اوضاع کنونی، جریان سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی می‌تواند به جای پشتیبانی از تولید در زمینه‌های پرسود رانتهی حرکت نماید؛ مانند آن‌که: تسهیلات بانکی به جای آن‌که سرمایه در گردش تولیدکننده را تأمین کند، در اختیار سفته‌بازی قرار گیرد و در بازارهای مالی به گردش درآید. در حال حاضر، دو گروه اصلی در نظام اقتصادی کشور فعال‌اند: اول، گروه مولد؛ دوم، گروه سوداگر و رانتهی‌پر. سود فعالیت‌های رانتهی بسیار بیشتر از فعالیت‌های مولد است و با خطر و دشواری کمتر انجام می‌شوند. در این میان، نقش دستگاه قضائی آن است که با فعال‌سازی نظارت‌های پیشینی و مستمر، سوداگری را به چالش بکشد و راه هموار کسب سود از فعالیت‌های رانتهی را به سنگلاخی صعب‌العبور بدل نماید.

۲-۳- مدیریت منابع مالی با استفاده از روش‌های بودجه‌ریزی سنتی

هرچند به‌واسطه نبود شفافیت بودجه‌ای و مالی و نبود دسترسی عمومی به اطلاعات موردنیاز نمی‌توان نرخ کارامدی بودجه‌ای را به‌دست آورد، روندهای کلی حاکم بر مدیریت منابع مالی و بودجه‌ای در دستگاه‌های دولتی و عمومی، نوعی همسانی و گاه یکسانی دارند. براین اساس، هنجارهای نظام بودجه‌ریزی سنتی حاکم بر نهادهای عمومی، در دستگاه قضائی نیز حاکم‌اند. این ادعا با گزاره‌ها و عبارات بیان شده از سوی مسئولان دستگاه قضائی تأییدپذیر است. برای مثال، هنگامی که از عباراتی مبهم همچون «کمبود نیرو» سخن به میان می‌آید، یا بیان می‌شود که در طول برنامه پنجم توسعه، بیش از پنج هزار قاضی جذب شده و همچنان دستگاه قضائی از کمبود نیرو رنج می‌برد و این کمبود به آمار پرونده‌ها مستند می‌شود، نبود شفافیت و بهره‌گیری از شاخص‌های بودجه‌ریزی سنتی خود را نمایان می‌سازد. این وضع درحالی حاکم است که سال‌هاست مسئولان برنامه و بودجه از تغییر در نظام بودجه‌ریزی و کوشش برای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد سخن می‌گویند. در نظام بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، شاخص‌هایی چون «نفر» یا «پرونده» یا «متر مربع» (جدول ۱۷ قانون برنامه ششم توسعه)، مبنایی برای تخصیص بودجه نیستند و درمقابل، بهای تمام‌شده کالاها یا خدمات در راستای تحقق اهداف و مأموریت‌ها

در نظر گرفته می‌شوند. حال باید پرسید که بهای تمام‌شده خدمات دستگاه قضائی، به تفکیک در مراحل گوناگون، چقدر است؟ رسیدگی به یک پرونده حقوقی، در چه شرایطی به صرفه نیست؟ رسیدگی به یک پرونده کیفری یا امنیتی، در چه شرایطی به صرفه نیست؟ آیا در اوضاع کنونی که آمار پرونده‌ها شاخصی برای برآورد تعداد نیروهای دستگاه قضائی است، انگیزه‌ای برای کاهش آمار پرونده‌ها در دستگاه قضائی می‌تواند وجود داشته باشد؟ در صورتی که پاسخی روشن به پرسش‌های مذکور وجود نداشته باشد، مدیریت کارآمد سرمایه‌های انسانی در سطوح گوناگون ممکن نخواهد بود. در همین امتداد، مدیریت سرمایه‌های فیزیکی ممکن نخواهد بود و راهکار خام و اولیه، افزایش فشار بر بودجه عمومی با افزایش ورودی منابع انسانی و افزایش دارایی‌های سرمایه‌ای خواهد بود. این راهکار در بلندمدت به تضعیف حاکمیت می‌انجامد و با ایجاد محدودیت برای دولت در سرمایه‌گذاری‌های عمرانی، کاهش اشتغال و افزایش توژم را ناشی می‌شود. این چرخه به افزایش زمینه‌های فساد و جرم می‌انجامد و در نتیجه، روند تشکیل پرونده افزایش می‌یابد.

بر اساس آنچه بیان شد، استقرار نظام بودجه‌ریزی نوین و مبتنی بر عملکرد در دستگاه قضائی، کلان مسئله‌ای است که مسئولان قضائی باید به حل آن بیاورند. بهینه‌سازی مصارف بودجه‌ای و افزایش نرخ کارآمدی بودجه‌ای، دو اولویت ضروری

برای دستگاه قضائی اند که با انجام آن‌ها، حجم وابستگی بودجه‌ای به بودجه عمومی ناشی از بهره‌وری پایین کاهش می‌یابد. در همین امتداد، افزایش بهره‌وری بودجه‌ای در دستگاه قضا، کاهش حجم بودجه عمومی را به بار می‌آورد. همچنین، دستگاه قضا با اجرای بودجه‌ریزی نوین می‌تواند از همه دستگاه‌های دولتی اجرای آن را مطالبه نماید و در گذر زمان، افزایش بهره‌وری بودجه‌ای را در همه دستگاه‌های دولتی پیگیری کند. براین اساس، کاهش حجم مصارف بودجه‌ای به کاهش کسری بودجه می‌انجامد و منابع آزاد شده می‌تواند در اختیار تولید قرار گیرد.

۲-۴- سردرگمی در پیشگیری از وقوع جرم

براساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی، «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» یکی از وظایف دستگاه قضائی است. هرچند، بسیاری از قضات دستگاه قضا و حقوق دانان، پیشگیری از وقوع جرم را وظیفه دستگاه قضا نمی‌دانند و وجود معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم را در قوه قضائیه، تشریفات و زاید می‌دانند. این اختلاف نظر، پیامدهایی در عمل نیز داشته است و همانطور که در موارد پیشین بیان شد، اندیشه قضائی را بر بر دستگاه قضا حاکم کرده است و رویکردی «پسینی»، «انفعالی» و «دعوا محور» به آن داده است. به موجب قانون پیشگیری از وقوع جرم، مصوب ۱۷ آذر ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی، شورای عالی

پیشگیری از وقوع جرم با ریاست رئیس قوه قضائیه بنا نهاده شده است. با توجه به این قانون، پیشگیری از وقوع جرم مأموریتی فرادستگاهی است. از این رو، ماده ۳ قانون بر تقسیم کار ملی در این حوزه تأکید کرده است. هر چند، هنوز تقسیم کار ملی روشن برای پیشگیری از وقوع جرم تحقق نیافته است و انجام طراح‌های نهادی در این حوزه، ضرورت دارد.

تحقق نظام کارآمد پیشگیری از وقوع جرم می‌تواند زمینه را برای اقدامات و فعالیت‌های مؤلف اقتصادی فراهم آورد. بسیاری از مفاصد و زد و بندهای موجود در نظام اقتصادی، پیشگیری‌پذیرند و با کاهش حجم این مفاصد، امید و انگیزه به تولیدکنندگان باز می‌گردد. بنابراین، پیشگیری از وقوع جرم با افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش بی‌اعتمادی مردم به نظام، محیط کسب‌وکار را بهبود می‌بخشد.

۲-۵- حجم بالای ورودی پرونده به دادسراها

بسیاری از مشکلاتی که به‌منزله مشکلات کلیدی دستگاه قضائی مطرح می‌شوند، پیامدهای «حجم بالای ورودی پرونده» به دستگاه قضائی هستند. عوامل و علل افزایش ورودی پرونده، متعدّدند که برخی از آنها، در حدود اختیارات دستگاه قضائی‌اند. برای مثال، قوانین مربوط به مالکیت و ثبت یا مسئله «اسناد عادی» که بسیاری از پرونده‌ها را دربر می‌گیرد. درمقابل، برخی از عوامل، خارج از حدود

اختیارات دستگاه قضائی اند و رفع آن‌ها، مستلزم تعامل با سایر قوا است. برای مثال، اگر دستگاه تقنینی به جرم‌انگاری‌های فراوان و متعدّد بپردازد، روند شکل‌گیری پرونده‌های قضائی افزایشی خواهد بود.

مهمترین پیامدهای ناشی از حجم بالای پرونده‌ها، عبارتند از: کمبود بودجه، کمبود سرمایه‌های انسانی در سطوح گوناگون و کمبود امکانات فیزیکی. این هر سه، در آخرین گفتگوی تلویزیونی رئیس سابق قوه قضائیه در سال ۱۳۹۶ نیز مطرح شدند. حال باید پرسید که علاوه بر تحلیل‌های عقلایی و فنی از حجم ورودی پرونده‌ها، آیا دلایل غیرفنی برای افزایش حجم پرونده‌ها نیز وجود دارند؟ برای مثال، آیا نظام بودجه‌ریزی سنتی حاکم بر کشور که شاخص‌های سرانه‌ای را مبنای تقسیم و تخصیص بودجه می‌داند، در افزایش سرانه آماری (پرونده) مؤثر است؟ آیا رقابت‌های بین قوه‌ای برای افزایش قلمرو قدرت با افزایش منابع انسانی و بودجه، در افزایش حجم پرونده‌ها مؤثر است؟ پاسخگویی به پرسش‌های فوق، آسان نیست و نیازمند دلایل، شواهد و اطلاعات موثق است.

با استفاده از رویکرد سیستمی^۱، می‌توان این کلان‌مسئله را تحلیل کرد. هر سیستم در تعامل با محیط خود، ورودی‌هایی را دریافت می‌کند و پس از پردازش‌های

لازم، خروجی‌هایی را به محیط باز می‌گردانند. محیط از راه حلقه‌های باز خور به اصلاح خروجی‌های سیستم می‌پردازد و حلقه‌های باز خور، ورودی‌های دیگری را به سیستم وارد می‌کنند. در همین امتداد، هر سیستمی که نتواند در تعامل با محیط خود به درک نیازهای محیط و تنظیم خروجی‌ها با ضرورت‌ها و اقتضانات محیطی بپردازد، ورودی جدیدی را دریافت نخواهد کرد و رو به زوال خواهد رفت. با این بیان، روشن است که انطباق دستگاه قضائی (سیستم) با محیط خود، از راه بازخورهای محیط در طول زمان انجام شده است. محیط به دستگاه قضائی بازخورهای مثبت داده است و ورودی‌های دستگاه قضائی افزایش یافته است. این انطباق، یک‌سویه انجام نشده است و دستگاه قضائی نیز واقعیت‌های اجتماعی موردنیاز خود را ساخته و بر اساس آن، محیط را تغییر داده است. در واقع، رابطه دستگاه قضائی با محیط خود مانند رابطه یک سیستم مکانیکی یا طبیعی با محیط خود نیست؛ دستگاه قضائی و محیط آن در بافتی اجتماعی به تعامل با هم می‌پردازند و بر این اساس، هم محیط و هم دستگاه قضائی تغییرات موردنیاز خود را از طرق گوناگون اعمال می‌کنند. بنابراین، افزایش حجم ورودی پرونده‌ها به دستگاه قضائی، نتیجه حلقه‌ای تزییدی از برهم‌کنش‌های متقابل محیط و سیستم قضائی است و کاهش حجم ورودی، مستلزم تغییرات متقابل محیط و سیستم قضائی خواهد بود. چگونگی کاهش حجم ورودی

پرونده به دستگاه قضائی، مسئله‌ای است که حل آن، با مسائل گوناگونی مواجه است؛ زیرا، محیط با هویت کنونی دستگاه قضائی به مثابه «سیستم پاسخگویی به شکایات» خو گرفته و حاکم شدن اقتضات مربوط به سایر مأموریت‌های آن (مانند پیشگیری) را به سادگی نمی‌پذیرد. بنابراین، تغییر جهت و رویکرد دستگاه قضائی از «افزایش ورودی پرونده» به افزایش ورودی‌هایی از نوع دیگر، مسئله‌ای ساختاری است که با اصلاح چند قانون یا بازمهندسی فرایندهای دادرسی، حل نخواهد شد. در همین امتداد، پیش‌بینی می‌شود که با رفع برخی از مشکلات «پرونده خیز»، در مدّت زمانی کوتاه حجم پرونده‌ها کاهش می‌یابد و به مرور، مشکلات و مسائل دیگر به نقاط «پرونده خیز» تبدیل می‌شوند.

بسیاری از پرونده‌های موجود در فرایند دادرسی به محیط کسب‌وکار مربوط‌اند. آمارهای دستگاه قضائی نشان می‌دهند بیش از ۶۰ درصد پرونده‌ها زمینه‌ای اقتصادی دارند و عمده آن‌ها به قوانین ثبتی مالکیتی و تجاری باز می‌گردند. بنابراین، اصلاح قوانین ثبتی مالکیتی و قوانین مربوط به حوزه تجارت می‌تواند به کاهش حجم پرونده‌های ورودی بیانجامد. هرچند، این روند کوتاه‌مدّت خواهد بود اگر مناسبات نهادی بین دستگاه قضائی و محیط تغییر نکند!

۳- جمع بندی

دستگاه قضائی یکی از ارکان شکل‌گیری جهش تولید در نظام اسلامی است. این دستگاه با مأموریت‌های نه‌گانه‌اش، هم «زمینِ سفت» و «پایگاهِ استوار» تزلزل‌ناپذیری باید باشد که بتوان به آن دل بست و اتکا کرد؛ هم تضمین‌کننده امنیت «سرمایه‌های ترسو» باید باشد که بر مدار تولید بنشینند و آرام گیرند و هر روز در بازارهای سفته‌بازی و سوداگری سرگردان نباشند؛ هم باید دستگاهی «نجات‌بخش، امیدبخش و آرامش‌بخش» برای آحاد جامعه با استیفای حقوق عامه باشد! دستگاه قضائی برای رسیدن به این جایگاه شایسته، نیازمند تحوّل در دو سطح «گفتمانی‌اندیشگی» و «کارکردی‌عملی» به‌شرح زیر است:

الف) در سطح گفتمانی، دستگاه قضائی نیازمند تحوّل از گفتمان کنونی «قضاوت‌محوری» به «عدالت‌محوری» است. در این تحوّل، دستگاه قضائی از وضع موجود (قاضی‌محور، منفعل، پسینی، متمرکز بر دعوای خصوصی و پیگیر فرایندهای شکایت‌محور) به گفتمان عدالت‌محوری کوچ می‌کند: گفتمانی فرارشته‌ای که پای اندیشه‌ها و تخصّص‌های دیگر را به دستگاه قضائی باز می‌کند؛ بی‌آن‌که درانتظار طرح شکایت باشد، با مصادیق تضییع حقوق عامه برخورد می‌کند و از وقوع دوباره آن‌ها باز می‌دارد؛ آینده‌پژوه، هوشمند و بصیر است که در آن، انجام مأموریت‌های

قانونی به‌ویژه در حوزه‌های نظارت، بازرسی و دادستانی عمومی، در دو قلمرو داخلی و بین‌المللی، واکنشی و انفعالی نیست؛ بلکه، پیش‌دستانه و فوق‌فعال است. این تحوّل، دستگاه قضائی را به دستگاهی «امیدبخش» تبدیل می‌کند و با حرکت به‌سوی افزایش سرمایه‌های اجتماعی و معنوی، محیط کسب‌وکار را بهبود می‌بخشد.

ب) در سطح کارکردی، دستگاه قضا نیازمند تحوّل از اداره سنتی امور قضائی به اداره مردم‌سالار خدمات قضائی است. در حال حاضر، اداره امور در دستگاه قضائی، بیشتر مبتنی بر الگوی سنتی است. جامعه احساس می‌کند دستگاه قضائی «خویش‌فرما» است و کاری به جامعه ندارد. مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی اجتماعی در آن، مطلوب و اقلانگنده نیست. اذهان عمومی درباره تحقق مأموریت‌های دستگاه قضائی، توافق و اجماع ندارد. ادامه این شیوه در اداره امور قضائی، خطرناک است و به گسست‌ها و شکاف‌های اجتماعی یا افزایش شکاف‌های موجود تبدیل خواهد شد. بنابراین، تحوّل و توسعه در الگوی اداره امور قضائی ضروری است. در مقابل، هنگامی که از اداره مردم‌سالار سخن می‌گوییم، منظورمان عبور از «عقلانیت اداری» که حافظ منافع بوروکراتیک است و پای‌بندی کامل به رویکرد «مردم‌سالاری اسلامی» است. در اینجا، عقلانیت راهبردی و تضمین منافع شهروندی (مردم) در صدر می‌نشیند. منافع عمومی با گفتگو درباره ارزش‌های

مشترک تضمین می‌شوند. خدمات قضائی به‌جای آن که به «ارباب رجوع» یا «مشرتی» ارائه شود، به «مردم» (شهروندان) ارائه می‌شود. نقش دستگاه قضا، خدمت‌رسانی، چانه‌زنی و کارگزاری برای تحقق منافع عمومی و توزیع منافع بین مردم است. سازوکارهای تحقق اهداف خط‌مشی‌ها، ایجاد ائتلاف‌هایی از مؤسسات عمومی، غیرانتفاعی و خصوصی است. حساب‌پس‌دهی و مسئولیت‌پذیری، چندبعدی و تحت هدایت قانون، ارزش‌ها، هنجارهای حرفه‌ای و منافع شهروندی است. اختیار اداری، محدود و پاسخگویانه است و ساختار سازمانی، مشارکتی است. انگیزش با ارائه خدمات عمومی و تمایل به کمک به جامعه محقق می‌شود. در این الگو، تصمیم‌ها و خط‌مشی‌های قضائی، مستند و مستدل به شواهد و واقعیت‌هاست؛ تخصص‌گرایی در مدیریت قضائی، در نظر است و هوشمندسازی دستگاه قضائی، در دستورکار قرار دارد. درنهایت، با اجرای مناسب این خط‌مشی، دستگاه قضائی به دستگاهی «آرامش‌بخش» و «نجات‌بخش» تبدیل خواهد شد. در همین‌امداد، هوشمندی دستگاه قضائی به ارتقای شاخص‌های سهولت کسب‌وکار می‌انجامد و زمینه را برای جهش تولید فراهم می‌آورد.

۴- توصیه‌های سیاستی

با توجه به تحلیل‌های ارائه‌شده در این نوشتار، توصیه‌های سیاستی زیر را می‌توان بیان کرد:

- اکیداً توصیه می‌شود تحوّل کلان و گفتمانی در دستگاه قضائی پیگیری شود؛ به طوری که زمینه برای حضور خبرگان و متخصصان از همه رشته‌های علمی مربوط به مسئله «عدالت» در دستگاه قضا فراهم شود. دستگاه قضائی برای نقش‌آفرینی جدی در مسائل اساسی کشور نیازمند بهره‌گیری از همه دانش‌ها و تجارب بشری است و با اتکا بر دانش حقوقی، در همه حوزه‌های آن، نمی‌تواند عدالت را پیگیری و محقق نماید. در همین امتداد، گفتمان کنونی دستگاه قضائی سنخیتی با جهش تولید ندارد و به آن کمک نمی‌کند. از این‌رو، پیگیری نقش‌آفرینی اثرگذار دستگاه قضائی در جهش تولید، مستلزم پیگیری گفتمان «عدالت‌محوری» با حضور رشته‌ها و تخصص‌های گوناگون علمی و دانشگاهی در آن است.
- اکیداً توصیه می‌شود دستگاه قضائی هوشمندسازی فرایندها، رویه‌ها و سازوکارهایش را پیگیری نماید و زمینه‌ساز ارتقای رضایت عمومی و سرمایه اجتماعی باشد. هوشمندسازی دستگاه قضائی، راهی کم‌هزینه برای پیگیری مأموریت‌های آن است و به کاهش مراجعه عمومی، کاهش زمان دادرسی، پیشگیری از وقوع جرم، سرعت و دقت در رسیدگی‌ها و اجرای احکام می‌انجامد. همچنین،

هوشمندسازی دستگاه قضائی به بهبود محیط کسب‌وکار و درنهایت، شکل‌گیری زمینه‌های لازم برای جهش تولید می‌انجامد.

- توصیه می‌شود دستگاه قضائی با همکاری مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، خوانشی مؤثر از اصل تفکیک قوا را ارائه نماید تا زمینه برای اعمال نظارت‌های آینده‌نگر و پیشگیرانه فراهم آید.

- توصیه می‌شود دستگاه قضائی با همکاری مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، اصلاح قوانین ثبتي مالکيتی و قوانین مربوط به نظام تجاری را در اولویت قرار دهند تا زمینه برای بهبود محیط کسب‌وکار و کاهش مخاطرات سرمایه‌گذاری فراهم آید.

در این مورد | شما | قوه قضائیه | طبعاً احتیاج دارید به افرادی که در زمینه‌ی روانشناسی جمعی، روانشناسی فردی دارای دانش باشند، [دارای] آگاهی باشند یا در زمینه‌ی مسائل اقتصادی درست بدانند که چه چیزی بستر وقوع چه حادثه‌ای و چه مشکلی یا چه راه‌حلی است؛ اگر چنانچه از نخبگان حوزه و دانشگاه در دانشهای دیگر استفاده نشود، طبعاً قوه‌ی قضائیه نخواهد توانست کار را آنچنان که باید و شاید دنبال کند.

بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه، ۹۹/۴/۴

پیشنهاد
سیاستی

طرح «الحاق یک ماده‌ای به قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار»

حامد مجیری فروشانی (پژوهشگر مهمان کارگروه حقوقی - قضائی)

حسن راستی پروچنی (پژوهشگر مهمان کارگروه حقوقی - قضائی)



۱- پیشگفتار

نام‌گذاری سال ۹۹ به سال «جهش تولید» توسط مقام معظم رهبر معظم انقلاب، حکایت از رویکرد فعالانۀ ایشان در مواجهه با حربه‌های نظام سلطه در جنگ اقتصادی دارد. چراکه ایجاد ارزش‌افزوده و رشد اقتصادی از طریق تولید کالا و خدمت و برنامه‌ریزی برای جهش آن، مؤلفه اصلی یک اقتصاد پویا و درون‌زا محسوب می‌شود. یکی از الزامات مؤثر در راستای رونق تولید، تسهیل و بهبود محیط کسب‌وکار (از طریق کاهش هزینه‌های تحمیلی بر فعالان اقتصادی) است که زمینه را برای فعالیت مولد اقتصاد و تولید ثروت فراهم کرده و به‌نوعی انگیزه برای سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. متأسفانه نگاه اعرانه و تک‌بعدی به اقتصاد در سال‌های گذشته و غفلت از مؤلفه‌های کلیدی تشکیل‌دهنده فضای اقتصادی کشور به‌خصوص مؤلفه‌های حقوقی و قضایی، اثرپذیری تولید و اقتصاد کشور از تحریم‌های خارجی را بیشینه کرده و رونق پایدار تولید و تاب‌آوری اقتصاد را خدشه‌دار کرده است.

طبق آخرین گزارش «سهولت کسب‌وکار» بانک جهانی در سال ۲۰۱۸ از بین ۱۹۰ کشور مورد پایش، محیط کسب‌وکار ایران نسبت به سال گذشته با ۴ رتبه تنزل در جایگاه ۱۲۸ دنیا قرار داشته است. این در حالی است که طبق ماده ۲۵ قانون برنامه

پنج‌ساله ششم توسعه، دولت مکلف بوده رتبه کشور را در شاخص مذکور هر ساله ۱۰ رتبه ارتقا دهد و در پایان اجرای قانون برنامه، به کمتر از ۷۰ برساند.

الزام به اجرای قراردادهای یکی از ۱۰ شاخص مؤثر در تعیین جایگاه کشورها در گزارش مذکور است که بیش از همه چیز متأثر از هزینه‌های پیگیری اجرای قرارداد در آن کشور است. از آنجاکه بخش عمده‌ای از هزینه‌های اجرای قرارداد در کشور ما به هزینه‌ی استخدام وکیل بازمی‌گردد، مجاز دانستن بنگاه‌های خصوصی به معرفی نماینده حقوقی ضمن کاهش جدی هزینه‌های بنگاهداری، منجر به ارتقا جایگاه ایران در گزارش جهانی «سهولت کسب‌وکار» خواهد شد.

متأسفانه یکی از مشکلات اساسی بخش مولد اقتصادی در کشور، ناتوانی بخش خصوصی اقتصاد در وصول کردن مطالبات نکول شده خود در قراردادهای مختلف تجاری است. در حال حاضر بنگاه‌های خصوصی جز از طریق اعضای هیئت‌مدیره شرکت و وکلای رسمی قادر به پیگیری دعاوی خود در محاکم نیستند. الزام بنگاه‌های خصوصی به اخذ وکیل در شرایطی است که مطابق با ماده ۳۲ قانون «آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی» وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکت‌های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و مؤسسات عمومی غیردولتی، شهرداری‌ها و بانک‌ها می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری

برای طرح هرگونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود استفاده نمایند.

محرومیت بنگاه‌های خصوصی از معرفی نماینده حقوقی به محاکم در کنار هزینه‌های سرسام‌آور استفاده از وکیل باعث شده تا حتی بنگاه‌های اقتصادی بزرگ و متوسط نیز در بسیاری از موارد به‌ناچار از پیگیری مطالبات نکول شده خود چشم‌پوشانند. جالب‌توجه آن‌که مطابق با آمار بالغ بر ۹۰ درصد بنگاه‌های اقتصادی کشور را بنگاه‌های خرد و کوچک (کمتر از ۱۰ نفر) تشکیل می‌دهد که به‌مراتب نسبت به بنگاه‌های بزرگ و متوسط در برابر مسائل حقوقی آسیب‌پذیرتر هستند.

۲- پیشنهاد سیاستی

نظر به آنچه در بالا مطرح شد پیشنهاد می‌گردد تا نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی با تصویب ماده‌واحد ذیل، ضمن کمک به رونق و جهش تولید گامی مؤثر در راستای تحقق هرچه بیشتر منویات مقام معظم رهبری بردارند.

ماده‌واحد: متن زیر به‌عنوان ماده ۳۰ به قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار مصوب ۱۳۹۰/۱۲/۰۳ الحاق می‌شود:

ماده ۳۰: تمامی شخصیت‌های حقوقی خصوصی اعم از مؤسسات، شرکت‌ها، بنگاه‌ها و بانک‌های خصوصی می‌توانند علاوه بر وکلای دادگستری یا وکلای مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده یک نفر از کارمندان خود را با داشتن شرایط زیر به‌عنوان نماینده حقوقی برای طرح هرگونه دعوی یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط، به دادگاه معرفی نمایند:

۱. داشتن لیسانس یا کارشناسی ارشد حقوق

۲. گذراندن دوره کارآموزی تخصصی و اخذ پروانه نماینده حقوقی تخصصی

تبصره ۱- طول دوره کارآموزی تخصصی حداکثر ۳ ماه است و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده موظف هستند پس از طی این دوره به شرکت‌کنندگان پروانه نماینده حقوقی تخصصی اعطا نمایند.

تبصره ۲- مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده مکلف هستند ظرف یک ماه پس از تصویب این قانون، آیین نامه دوره کارآموزی تخصصی را تدوین و ابلاغ نمایند.

تبصره ۳- شرکت در دوره کارآموزی تخصصی نیازی به آزمون نداشته و صرفاً مستلزم رعایت موارد زیر است:

الف) ارائه معرفی نامه

ب) عدم سوءپیشینه کیفری

تبصره ۴- صلاحیت افراد دارای پروانه نماینده حقوقی تخصصی محدود به طرح هرگونه دعوی یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط به شخصیت های حقوقی است که در استخدام آن هستند.

تبصره ۵- افرادی که جهت طی دوره کارآموزی به مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده معرفی می شوند، در دوره کارآموزی می توانند امور مربوطه را در دادگاه پیگیری کنند و صرفاً از حضور در جلسه دادرسی منع خواهند شد.

در مورد پیشگیری آنچه حائز اهمیت است این است که ما بسترهای وقوع جرم و تولید جرم را درست بشناسیم. اگر این بسترها شناخته شدند، دانسته شدند - که من حالا بعد یک نکته‌ای را هم در این زمینه عرض خواهم کرد - آن وقت شما راحت با آشنایی، با بصیرت می‌توانید با وقوع جرم مقابله کنید که اصلاً جرم واقع نشود. ما اگر توانستیم پیشگیری را به معنای واقعی کلمه راه بیندازیم هزینه‌ی مقابله‌ی با جرم بشدّت کاهش خواهد یافت.

بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه، ۹۹/۴/۴

یادداشت
سیاستی

طرح «پیشگیری سازمان یافته و هوشمند از وقوع جرم»

عارف حسین‌زاده (تحلیل‌گر کارگروه حقوقی - قضائی)



۱- پیشگفتار

در طول تاریخ بشر، رفتارهای ضداجتماعی انسان‌ها همواره با واکنش‌هایی همراه بوده است و این واکنش‌ها نیز اغلب از نوع سرکوبگر و کیفری بوده‌اند. پس از گذشت سال‌ها و قرن‌ها از زمان اجرای مجازات‌های گوناگون در ادوار مختلف تاریخی، اندیشمندان حوزه سیاست جنایی به این نتیجه رسیده‌اند که مجازات حداقل در اغلب موارد نتوانسته است نقش دفاعی خود را به‌طور مؤثر در مقابله با جرائم ایفا کند، تا جایی که حقوق دانان و جرم‌شناسان را بر آن داشت که به فکر یافتن ابزاری کارآمد و درعین حال کم‌هزینه برای مقابله با جرائم باشند. با توجه به اندیشه‌ها و نظریاتی که در پرتو مکاتب علمی حقوق کیفری و جرم‌شناسی شکل گرفت. رفته‌رفته اندیشمندان این حوزه به‌ضرورت استفاده از تدابیر پیشگیرانه در کنار مجازات با هدف جلوگیری از ارتکاب جرم پی برده و به‌گسترش این مقوله پرداخته‌اند. در نتیجه در دهه‌های اخیر پیشگیری از وقوع جرم در کنار مقابله کیفری با جرم، یکی از محورهای توجه متصدیان سیاست جنایی کشورها قرار گرفته و بر این اساس بسیاری از کشورها برنامه‌های مدونی برای پیشگیری از وقوع جرم ترتیب داده‌اند. در کشور ما نیز سال‌هاست که این ضرورت احساس شده و سیاست‌های کلی نظام در حوزه حقوقی - قضائی هم بر آن تأکید داشته است.

۲- تحلیل

پیشگیری از جرم که امروزه از مهم‌ترین سازوکارهای سیاست جنایی است، با توسل به اقدام‌های غیرقهرآمیز درصدد کاهش یا از بین بردن عوامل جرم‌زا و گرایش به بزهکاری است.

ماده (۱) قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب سال ۱۳۹۴ پیشگیری از وقوع جرم را این‌گونه تعریف می‌کند: «پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از: پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن.»

مسئله ناهماهنگی نهادها در امر پیشگیری از جرم به‌طورکلی

در ایران قوانین مختلفی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم پیشگیری از وقوع جرم را موردتوجه قرار داده‌اند. این قوانین گستره قابل‌توجهی دارند و از قانون اساسی و قوانین توسعه تا قوانین عادی مصوب مجلس و آیین‌نامه‌های برخی نهادها را شامل می‌شوند و برای نهادهای بسیاری تکالیفی در امر پیشگیری از وقوع جرم تعیین کرده‌اند. این گستردگی قوانین و نهادها باعث پراکندگی و ابهام در امر پیشگیری از وقوع جرم شده است و این مسئله ضرورت تهیه نگاهت نهادی پیشگیری از جرم را ایجاب نموده است تا به‌وسیله آن نقشه‌ای ترسیم شود که بازیگران اصلی و تعاملات

آن‌ها را مشخص نموده و خلأها و موانع عارض بر عملکرد ساختارها را در امر پیشگیری از وقوع جرم، روشن کند.

درواقع نگاشت نهادی، چارچوبی است که با ترسیم نمایی ساده و جامع، وضعیت موجود یک نظام یا سیستم را نشان می‌دهد و با بررسی آن می‌توان نقایص موجود در سیستم و روابط میان اجزاء نظام را شناسایی و تحلیل نمود تا برای اصلاح این موارد، رفع موازی کاری‌ها و ایجاد هماهنگی میان نهادها برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام داد.

مسئله مطالعات پیشگیری از جرم

یکی از مسائل کلیدی و پایه‌ای حوزه پیشگیری از وقوع جرم مسئله مطالعات این حوزه است. نپرداختن به سیاست‌پژوهی، انتزاعی و غیرعملیاتی بودن مطالعات و ناهماهنگی میان نهادهای مطالعاتی از اصلی‌ترین مشکلات این حوزه است.

در کشور، علاوه بر دانشگاه‌ها و دانشکده‌های حقوق چندین مرکز مطالعاتی در زمینه پیشگیری از وقوع جرم وجود دارد؛ برای نمونه می‌توان از مرکز مطالعات معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، مرکز مطالعات راهبردی ناجا، پژوهشگاه قوه قضائیه و... نام برد. به تبع این گستردگی نهادها و عدم وجود سازوکاری جهت ایجاد هماهنگی میان آنان، مشکلاتی همچون عدم ارتباط و اطلاع

این نهادها نسبت به هم، موازی‌کاری و عدم کارآمدی در تأمین نیاز مطالعاتی و عملیاتی پیشگیری از وقوع جرم به وجود آمده است.

مسئله هوشمندسازی برای پیشگیری از جرم

مسئله پایه‌ای دیگر در حوزه پیشگیری از وقوع جرم، عبارت است از: هوشمندی قوه قضائیه و دیگر نهادهای مربوط جهت کشف جرائم و تحلیل و پردازش داده‌ها به‌منظور شناسایی دقیق نقاط کانونی تولید جرم و استفاده در پیشگیری از جرائم. برای این منظور نیاز است تا قوه قضائیه با همکاری نخبگان اندیشگاهی برنامه‌ای دقیق و علمی تدوین نماید و بر اساس آن به ایجاد سامانه‌های هوشمند و فراهم نمودن زیرساخت‌ها بپردازد. در صورتی که این اقدام پایه‌ای به‌طور مناسب انجام گیرد موجبات تحول در امر پیشگیری از وقوع جرم به وجود خواهد آمد.

مسئله پیشگیری از مفاسد و جرائم اقتصادی

در سال‌های اخیر یکی از شعارهای قوه قضائیه مبارزه با فساد بوده است و در همین راستا اقداماتی نیز به انجام رسانیده است، عمده این اقدامات عبارت‌اند از: کشف مفاسد و مجازات مفسدین؛ اما این اقدامات کافی نیست و در واقع ما شاهد مبارزه با مفسد بوده‌ایم و نه مبارزه اصولی با فساد.

برای مبارزه صحیح و ریشه‌ای با امر فساد نیاز است تا رویه‌های فسادزا اصلاح شده و از بین بروند که در این راستا نیاز است تا برخی نظامات فسادزا همچون خصوصی‌سازی، نظامات ثبتی مالکیتی و نظام پولی بانکی با رویکرد ضد فساد اصلاح شوند.

۳- پیشنهادهای سیاستی

- ۱- تثبیت جایگاه شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم به‌عنوان مرجع سیاست‌گذاری در امر پیشگیری از وقوع جرم و لزوم همکاری و پیروی همه نهادها از تصمیمات و برنامه‌های این شورا؛
- ۲- اقدام سازمان‌یافته به پیشگیری هوشمند از جرم؛
- ۳- لزوم تقسیم‌کار ملی و ساماندهی حدود وظایف و اختیارات نهادها در حوزه پیشگیری از جرم با توجه به معیارهای علمی و الزامات عملی در قالب برنامه‌ای جامع و دقیق؛
- ۴- شناسایی عوامل و ریشه‌های وقوع ده جرم اولویت‌دار (کمی و کیفی) به‌وسیله ابزارهای هوشمند و ساماندهی وظایف نهادهای مسئول به‌منظور رفع عوامل و ریشه‌های هر یک از این جرائم؛
- ۵- نظارت بر اجرای وظایف هر نهاد و ارزیابی اقدامات توسط شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم؛
- ۶- اصلاح روبه‌های فسادزا در حوزه‌های مختلف به‌منظور پیشگیری از فساد مانند نظام پولی بانکی (اصلاح سیستم مبارزه با پول‌شویی)، خصوصی‌سازی

و نظامات ثبتي مالکيتي (حل مسئله اعتبار اسناد عادي و تسريع در تکميل طرح کاداستر)؛

۷- ضرورت تمرکز به برنامه‌های بلندمدت آموزشی و فرهنگي در حوزه پيشگيري از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعي در کنار برنامه‌های کوتاه‌مدت و ميان مدت.

کاری بشود که مجموعه‌ی قوه و عناصر گوناگون در قوه، و بدنه‌ی قوه معتقد بشوند به اینکه باید به معنای واقعی | کلمه تحوّل پیشرفت گونه به سمت تحقق اهداف عالی قوه‌ی قضائیه انجام بگیرد.

بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه، ۹۹/۴/۴

یادداشت
سیاستی

طرح «لزوم استفاده از دستیاران جوان در قوه قضائیه»

مهدی مودن (پژوهشگر مهمان کارگروه حقوقی - قضائی)



طرح موضوع

رمز موفقیت پدیده‌هایی شگرف، چون انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، اطمینان امام و بزرگان انقلاب به جوانان و واگذار کردن کارهای بزرگ به آنان بود. تأثیرگذاری جوانان و چگونگی این توفیق کسب‌شده را باید در ویژگی‌های منحصر به فرد جوانان جویا شد زیرا طبیعت جوان با امید، ابتکار، صراحت، خطرپذیری، مطالبه‌گری و عدالت طلبی همراه است و این ویژگی‌ها برای اداره جامعه عناصر ذی‌قیمتی هستند. بخش قابل توجهی از مشکلات امروز جامعه ناشی از خطرپذیر نبودن، خسته شدن، عدم وجود ابتکار، عدم صراحت و نامید بودن برخی مدیران و مسئولان است که این صفات در جوان‌ها کمتر ظهور و بروز دارد.

بر همین اساس در شرایط حاضر هم کلید حل بسیاری از مسائل و مشکلات به دست جوانان است. برای بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت جوانان ایجاد سازوکارهای دقیق بسیار ضروری است تا بتوان به صورت هدفمند از ظرفیت آنان در تعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی و احیای روحیه امید و نشاط در جامعه استفاده کرد. از این طریق می‌توان جوانی و پویایی نظام را پایا نگه داشت و سیر پیوستگی آن را حفظ کرد.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در چهل‌سالگی انقلاب با ابلاغ بیانیه گام دوم طراوت و شادابی دوباره‌ای را به همه علاقه‌مندان آرمان‌های انقلاب بخشیدند. ایشان برای تحقق گام دوم انقلاب تحول‌خواهی را به‌عنوان یک نرم‌افزار اجرایی مطرح نمودند. در اندیشه رهبر فرزانه انقلاب تحول‌خواهی به معنای گرایش مثبت به بهتر شدن و میل به شتاب گرفتن و جهش در حرکت است و ایشان وجود سازوکاری جهت به‌کارگیری نیروی جوانان را جهت سرعت بخشیدن به این تحول، لازم می‌دانند.

بر اساس بیانات رهبری معظم انقلاب در حکم انتصاب آیت‌الله رئیسی به ریاست قوه قضائیه؛ آغاز دهه‌ی پنجم انقلاب و گذشت چهل سال از تشکیل دادگستری مبتنی بر فقه و حقوق اسلامی، ایجاب می‌کند که با تکیه بر تجربه‌ها و دستاوردها و رهنمودهای انباشته در این نصاب زمانی، تحوُّلی متناسب با نیازها و پیشرفت‌ها و تنگناهای قوه‌ی قضائیه صورت گیرد و دستگاه عدالت با نَفْسِ تازه و انگیزه‌ای مضاعف و نظم و تدبیری حکمت‌آمیز، دوران جدیدی را که زینده‌ی گام دوم انقلاب است، با قدرت و جدیت آغاز کند.

بر اساس همین حکم انتصاب، دو مورد از مسائلی که در دوره تحول باید مدنظر ریاست و مدیران ارشد قوه قضائیه قرار گیرد عبارت‌اند از اینکه اولاً عنصر نیروی

انسانی صالح را در رأس عوامل تحول و پیشرفت قوه دانسته شود و دوم آنکه از جوانان صالح و انقلابی و فاضل در مسؤولیت‌های قوه استفاده شود.

با توجه به لزوم جوان‌گرایی در گام دوم انقلاب و همچنین اقتضای دوره تحول قوه قضائیه لازم است که جهت تسریع در امر تحول قضائی و پویایی این قوه سازوکار و تشکیلاتی برای نقش‌آفرینی ویژه جوانان فراهم شود تا در مسیر تحقق عدالت از نیروی بی‌بدیل جوانان بهره گرفته شود. لذا پیشنهاد می‌شود که با یک پروسه دقیق جوانانی مؤمن، متخصص و انقلابی با روحیه عدالت‌خواهی و تحول‌نگری به‌عنوان دستیاران ویژه روسای دادگستری‌ها و دادستان‌های کشور منصوب شوند و شبکه‌ای شکل گیرد که رأس این شبکه زیر نظر شخص رئیس قوه قضائیه باشد و رسالت این دستیاران جوان طلایه‌داری پویا نگاه‌داشتن سیر تحول در قوه قضائیه، پیگیری تحقق مطالبات رهبری از قوه قضائیه و همچنین افزایش ارتباط با مردم و جوانان باشد.

وظایف دستیاران جوان قوه قضائیه می‌تواند حول محورهای ذیل باشد:

- رصد سیر تحول در همه زیرمجموعه‌های قوه قضائیه
- پیگیری مطالبات و دغدغه‌های مردم، تشکل‌های دانشجویی و مجموعه‌های عدالت‌خواه در خصوص فساد

- ارتباط مستمر با نخبگان و مجموعه‌های اندیشگاهی جهت دریافت نظرات و پیشنهادهای آنان در خصوص کارآمدسازی قوه قضائیه
- عمق سنجی میزان تحقق عدالت قضایی در مجموعه‌های قضایی محل مأموریت و ارائه گزارش به مدیران آن مجموعه‌ها

نحوه شناسایی و انتخاب دستیاران جوان قوه قضائیه

ریاست قوه قضائیه می‌بایست با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و توانمندی‌های اشخاص و با صلاحدید خویش فرد یا گروهی را به‌عنوان دستیار جوان ریاست قوه قضائیه انتخاب کند و دستیار جوان ریاست قوه موظف شود یک هسته مرکزی از نخبگان فعال در تشکل‌های دانشجویی، بسیج حقوق‌دانان، بسیج اساتید، بسیج طلاب و اندیشکده‌ها تشکیل دهد و از این طریق اقدام به شناسایی افراد شایسته در هر استان کند. افراد شناسایی شده با تأیید مراجع تأیید صلاحیت قوه و دستیار ریاست قوه قضائیه به روسای کل دادگستری استان‌ها و دادستان‌های کل استان‌ها پیشنهاد شوند. این دستیاران وظیفه دارند یک هسته مرکزی جهت شناسایی افراد شایسته هر استان تشکیل دهند و افراد را پس از تأیید صلاحیت به روسای دادگستری‌های شهرستان‌ها و همچنین دادستان‌ها معرفی کند.

امید است این شبکه دستیاران جوان قوه قضائیه با روحیات خاص خود موجبات پویایی و تحول قوه قضائیه را فراهم کنند و در معیت مدیران باتجربه قوه قضائیه به کسب تجربه پرداخته و جهت به دوش کشیدن بار مسئولیت‌های قوه قضائیه مطلوب نظام اسلامی در آینده تربیت شوند. در این صورت مأموریت جانشین‌پروری در قوه محقق خواهد شد و در سال‌های آتی شاهد حضور مدیرانی جوان، باتجربه و متخصص خواهیم بود.

عزیزان و مسئولان قوه قضائیه مراقب باشند - چه آنهایی که در دادسراها مشغول کار هستند، چه آنهایی که در دادگاهها مشغول کار هستند - که بر طبق حق و عدل رفتار کنند. یعنی اگر یک جایی حق و عدل اقتضا می کند شدت عمل را، بدون ملاحظه اقدام کنند. آنجایی هم که حق و عدل عدم شدت عمل را اقتضا می کند، جوگیر نشوند که حالا چون جَواین را می گوید، ما مثلاً چنین بکنیم.

بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه، ۹۹/۴/۴

یادداشت
سیاستی

طرح «زندانی و اصلاح مجرمین»

حارف حسین زاده (تحلیل گر کارگروه حقوقی - قضائی)



۱- پیشگفتار

در سیاست‌های کلی نظام توجه ویژه‌ای به سیاست حبس زدایی و مسائل مربوط به زندان‌ها همانند کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها شده است؛ به طوری که دو بند از چهار بند بخش حقوقی قضائی سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه معطوف به مسئله زندان‌هاست و این امر نشانگر ضرورت ایجاد تحول در این زمینه است.

در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در تعریف زندان آمده است: «زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است، با معرفی مقامات صلاحیت‌دار قضائی و قانونی برای مدت معین یا به‌طور دائم به‌منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی نگه‌داری می‌شوند»؛ بنابراین مشخص است که اغلب فلسفه استفاده از مجازات تأدیب است و نه تعذیب.

۲- تحلیل‌ها

مقوله زندان و زندانیان از مباحث و مشکلات اساسی بیشتر کشورها و به خصوص کشور ما است. متأسفانه در دهه‌های اخیر شاهد رشد بالای تعداد زندانیان کشور بوده‌ایم، به گونه‌ای که تا اوایل سال ۹۸ جمعیتی بالغ بر ۲۴۰ هزار نفر در زندان‌ها به سر می‌بردند که به واسطه عفوهای گسترده این سال، این تعداد به حدود ۱۹۰ هزار نفر کاهش یافت و در سال جاری نیز به واسطه اقدامات قوه قضائیه، بخشی دیگر از این تعداد کاسته شد؛ اما با این حال، همچنان جمعیت زندان‌ها از ظرفیت آن‌ها بیشتر است و ضروری است تا قوه قضائیه برای این معضل اساسی چاره‌جویی کند.

تراکم بیش از حد زندانیان در زندان‌ها باعث ایجاد مشکلات عدیده‌ای چون انتقال بیماری و تهدید سلامت جسمی و روانی زندانیان، تأثیرات منفی فضای زندان بر زندانیان کم‌خطر و تبدیل آنان به مجرمین حرفه‌ای و خطرناک می‌شود. از طرفی هزینه‌های بسیار زیاد زندان‌ها متشکل از حفظ امنیت زندان‌ها، تهیه غذا، ایجاد فرصت برای آموزش تحصیلی و کاری افراد، ابقای زیرساخت‌ها، تأمین هزینه وسایل و تجهیزات و فراهم آوردن امکانات درمانی و همچنین مشکلات مربوط به خانواده‌های زندانیان نیز از معضلات این نوع مجازات است.

با زندانی شدن سرپرست خانوار یا عضوی از خانواده وضعیت اشتغال و معیشت خانواده زندانیان دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شود و با توجه به وضعیت اقتصادی کنونی، خانواده زندانیان درگیر مسائل اقتصادی و اجتماعی ناشی از زندانی شدن یک فرد خانواده می‌شوند؛ به طوری که درصد قابل توجهی از خانواده‌های زندانیان با مشکلات بسیاری روبرو هستند و بعضاً دچار فروپاشی می‌شوند.

با توجه به این مسائل و مشکلات عدیده‌ای که از مجازات زندان ناشی می‌شود، نظام‌های کیفری مدرن و بروز دنیا از سال‌ها پیش به مجازات جایگزین حبس رو آورده‌اند. در کشور ما نیز سیاست‌گذاران جنائی در قوانین جزایی، با توجه به جایگاه کمرنگ مجازات زندان نسبت به دیگر مجازات در نظام کیفری اسلام، برای کاستن از آثار منفی بسیار زیاد این مجازات، استفاده از مجازات جایگزین را در راستای سیاست حبس‌زدایی، در دستورکار قرار داده‌اند؛ اما کماکان در قانون مجازات اسلامی، در بخش مجازات تعزیری، اصل بر مجازات حبس قرار داده شده است و اکثر قضات نیز به دلایل مختلف عمدتاً از این نوع مجازات استفاده می‌کنند و کمتر به سراغ مجازات جایگزین حبس می‌روند. همین امر باعث شده است تا امروزه جمعیت کثیری از افراد در زندان‌ها به سر برند.

بر این اساس از قوه قضائیه انتظار می‌رود تا در دوره تحول با برنامه‌ریزی صحیح، به‌صورت ریشه‌ای به مسئله زندان‌زدایی پرداخته و در ابتدا به‌وسیله استفاده حداکثری از ظرفیت‌های قانونی به کاهش جمعیت زندانیان اهتمام ورزد و جمعیت زندانیان را تا میزان ظرفیت فعلی زندان‌های کشور کاهش دهد و سپس به‌وسیله اصلاح قوانین و کاربرد حداکثری سیاست‌های حبس‌زدایی در قوانین و همچنین به‌وسیله استفاده از همه ظرفیت‌ها در پیشگیری از جرم، میزان جمعیت کیفری را متناسب با وضعیت مطلوب جامعه اسلامی-ایرانی سازد.

علاوه بر این‌ها یکی از مسائلی که باعث می‌شود خیلی از افراد به سمت بزهکاری کشیده شوند مشکلات مالی و فقر است. از طرفی فلسفه وجودی نهادهایی همچون بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، ستاد اجرایی فرمان امام (ره) و کمیته امداد امام خمینی (ره) همگی خدمت به محرومین، مستضعفین و فقرا بوده و هست. این نهادها به‌طور معمول بر اساس وظایفشان خدمات گسترده‌ای در زمینه‌های مالی، معیشتی و آموزشی به افراد مستحق ارائه می‌دهند؛ برای مثال به‌تازگی در بحران کرونا، بنیاد مستضعفان به دستور مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از خانواده‌های زندانیان حمایت معیشتی به عمل آورد.

همان‌گونه که در بالا بیان شد اکثر خانواده‌های زندانیان با مشکلات مالی و شغلی روبرو هستند که این مشکل خود منشأ مشکلات و آسیب‌های عدیده‌ای شده است. همین امر باعث شده تا زندانیان و خانواده‌های آنان جزو آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه شوند و به‌طور مداوم در معرض جرم و آسیب‌های اجتماعی باشند، به‌گونه‌ای که می‌توان مدعی شد این گروه از جامعه یکی از نقاط کانونی وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی هستند.

در حال حاضر بنیاد تعاون زندانیان به مسئله حرفه‌آموزی و اشتغال‌زایی زندانیان می‌پردازد اما با توجه به گستردگی تعداد زندانیان و خانواده‌های آنان قطعاً ظرفیت و منابع این بنیاد به‌تنهایی قادر به حل این مسئله بزرگ را ندارد و نیاز است تا نهادهایی فرا قوه‌ای و زیر نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) همچون بنیاد مستضعفان و ستاد اجرایی فرمان امام (ره) به میدان آمده و با مدیریت جهادی به ایجاد اشتغال برای زندانیان و خانواده‌های آنان بپردازند.

۳- پیشنهاد سیاستی

- اصلاح قوانین و مقررات موجود با رویکردهای زندان‌زدایی و گسترش مجازات جایگزین حبس در قوانین در قالب برنامه‌ای جامع و عملیاتی؛
- آموزش قضات به‌منظور بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های موجود در قوانین فعلی جهت استفاده بیشینه از مجازات جایگزین حبس؛
- اقدام سازمان‌یافته و هماهنگ دستگاه‌ها به پیشگیری هوشمند از جرم جهت کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها؛
- تمرکز بر ایجاد اشتغال برای زندانیان و خانواده‌های آنان به‌وسیله سازمان زندان‌ها با استفاده از ظرفیت‌های بنیاد مستضعفان، کمیته امداد، ستاد اجرایی فرمان امام و تسهیلات وزارت رفاه در راستای پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها.

نکنه‌ی بعد این است که در زمینه‌ی فساد هم، به بسترهای فسادخیز توجه بشود؛ و این احتیاج دارد به نگاه کارشناسی؛ همان طور که قبلاً اشاره کردند. یعنی بایستی با نگاه کارشناسی، زمینه‌ی بروز فساد را تولید فساد را شناسایی کرد، شناخت و با همان نگاه کارشناسی، به جنگ فساد رفت و برای ریشه‌کنی فساد تلاش کرد و کار کرد.

بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه، ۹۹/۴/۴

یادداشت
سیاستی

طرح «عدالت الکترونیک و قوه هوشمند»

عارف حسین زاده (تحلیل‌گر کارگروه حقوقی - قضائی)



۱- پیشگفتار

امروزه بسیاری از سازمان‌ها به این مهم پی برده‌اند که جهت رسیدن به اهداف سازمانی خود در عصر جدید، استفاده از فناوری اطلاعات یک ضرورت غیرقابل انکار است، زیرا فناوری اطلاعات باعث شده تا دسترسی به اطلاعات بدون وجود محدودیت‌های مکانی به آسانی ممکن شود. به این وسیله سازمان‌ها می‌توانند بسیاری از خدمات خود را بصورت الکترونیک و با استفاده از این فناوری به مخاطبین خود ارائه دهند و از رفت‌وآمدهای بیشمار و مکرر افراد در سازمان‌ها و ادارات که مشکلات زیادی همچون ایجاد نارضایتی و بی‌اعتمادی، صرف هزینه‌های زیاد و خطر فساد و تخلفات اداری را در پی دارد، بکاهند.

اغلب، استفاده از فناوری اطلاعات در سازمان‌های مختلف، نتایج مثبتی را همچون تسهیل ارائه خدمات به شهروندان، حذف لایه‌های زائد و بعضاً فسادزای اداری و کاهش هزینه‌ها از طریق ایجاد سامانه‌های هوشمند و پایگاه‌های اطلاعاتی، یکپارچه سازی و حذف سامانه‌های مازاد، در پی دارد. این مزیت‌ها باعث شده تا مدیران عالی نتوانند از صرفه استفاده از این فناوری چشم‌پوشند و در نتیجه به‌کارگیری فناوری اطلاعات و سامانه‌های الکترونیک و هوشمند را جزء اولویت‌های سازمانی قرار می‌دهند.

باتوجه به مطالب فوق، همگان معتقدند امروزه حرکت به سوی دولت الکترونیک نه تنها یک الزام برای جوامع کنونی است؛ بلکه ابزاری برای توسعه کشورهاست و بر همین اساس دولت الکترونیک یکی از ضرورت‌های جهان امروز است و بسیاری از کشورها به دنبال ایجاد آن در کشور خود هستند. در کشور ما نیز از سال‌ها پیش، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و مقامات دولتی، مانند رؤسای جمهور و وزیران فناوری اطلاعات، به لزوم راه‌اندازی دولت الکترونیک اشاره کرده و بر آن تأکید ورزیده‌اند. علاوه بر آن در سیاست‌های کلی نظام و برنامه‌های توسعه نیز به این امر توجه ویژه‌ای شده و در حال حاضر طرح‌های گوناگونی در بخش‌های مختلف کشور در راستای دولت الکترونیک در دست اجرا است.

۲- تحلیل

قوه قضائیه به عنوان یکی از نهادهای حاکمیتی کشور در حال طی دوره گذار از سامانه‌های سنتی و دستی به سامانه‌های مکانیزه است. بر همین اساس دستگاه قضایی گام‌های مثبتی در جهت دستیابی به عدالت الکترونیک برداشته است که به عنوان اهم این اقدامات می‌توان از سامانه ثنا، سخا و سیستم مدیریت پرونده قضائی و همچنین راه اندازی دفاتر خدمات الکترونیک قوه قضائیه نام برد.

سرعت و دقت در دادرسی جزء مؤلفه‌های اساسی نظام‌های قضائی پیشرفته و کارآمد است. طولانی شدن زمان رسیدگی به دادخواهی مردم موجب نارضایتی مراجعان و کاهش اعتماد عمومی به قوه قضائیه خواهد شد. اطاله دادرسی در دعاوی کیفری، فاصله بین مجازات و ارتکاب عمل مجرمانه را آن قدر زیاد می‌نماید که تأثیر عنصر بازدارندگی مجازات را خنثی نموده و ترس و رعب مجرمان را از عواقب جرائم کاهش می‌دهد و در دعاوی حقوقی نیز مردم را از احقاق حقوقشان توسط دادگاه ناامید می‌نماید. در صورتی که عمده مشکلات موجود در سیستم دادرسی که به اطاله دادرسی می‌انجامد از طریق به‌کارگیری سامانه‌ها و فرایندهای مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات قابل برطرف شدن یا کمرنگ شدن هستند.

اهمیت و ضرورت استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در قوه قضائیه و حرکت به سمت قوه الکترونیک و هوشمند به حدی است که به کرات در سیاست‌های کلی و برنامه‌های توسعه بر آن تأکید شده است که در ادامه به شرح این بندهای سیاستی و قانونی می‌پردازیم:

- بند ۶ سیاست‌های کلی قضائی (۸۸): توسعه، تکمیل و روزآمد کردن بهره‌برداری از فناوری‌های نوین خصوصاً در زمینه‌های اطلاعات، ارتباطات، فرایند دادرسی و خدمات ثبتی؛
- یک بخش از بند ۶۷ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه: توسعه‌ی ثبت رسمی اسناد و املاک و مالکیت‌های معنوی و ثبت رسمی مالکیت‌های دولت و مردم بر املاک و اراضی کشور در نظام کاداستر و (گسترش فناوری‌های نوین) در ارائه‌ی خدمات ثبتی؛
- بند «ب» ماده ۱۱۶ قانون برنامه ششم توسعه: قوه قضائیه مکلف است با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، سامانه بازرسی کارآمد جهت کشف تخلفات قضات و کارکنان قضائی را فراهم نموده و با متخلفان مطابق ضوابط قانونی و در کمترین زمان ممکن برخورد نماید؛
- بند «پ» ماده ۱۱۶ قانون برنامه ششم توسعه: قوه قضائیه مکلف است در راستای شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد زمینه اعتبار سنجی،

سامانه سجل محکومیت‌های مالی را ایجاد نماید تا امکان استعلام برخط کلیه محکومیت‌های مالی اشخاص محکوم علیهم از این سامانه برای بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و دستگاه‌های اجرایی و دفاتر اسناد رسمی فراهم آید؛

- ماده ۱۱۷ قانون برنامه ششم توسعه و بند الف آن: در راستای تضمین حقوق مالکیت و استحکام قراردادها، کاهش اطاله دادرسی و کاهش اطاله در اجرای احکام صادرشده دادگاه‌ها و مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا قوه قضائیه مکلف است تا پایان سال دوم اجرای قانون برنامه سامانه‌ای الکترونیک ایجاد نماید که امکان پاسخگویی فوری و برخط به استعلامات موردنیاز مراجع قضائی ذی‌صلاح در خصوص اموال اشخاص محکومعلیهم به‌طور متمرکز برای قوه قضائیه و تحت نظارت مستقیم رئیس قوه قضائیه از طریق دسترسی برخط به کلیه بانک‌های اطلاعاتی اموال اشخاص حقیقی و حقوقی محکوم علیهم فراهم شود تا توقیف اموال مزبور به‌سرعت و سهولت انجام گیرد. بند ب ماده ۱۱۷ قانون ششم توسعه: سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه اقدامات قانونی لازم برای الکترونیک کردن فرآیندهای اجرای مفاد اسناد رسمی را انجام دهد؛

- بند «ت» ماده ۱۱۷ قانون ششم توسعه: قوه قضائیه مکلف است تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه درگاه الکترونیک ایجاد نماید که با اتصال به سامانه های الکترونیک دستگاه‌های اجرایی، کلیه استعلامات موردنیاز مراجع قضائی به صورت الکترونیک قابل انجام و پاسخگویی باشد. کلیه دستگاه‌های اجرایی مکلف‌اند در اجرای این بند با قوه قضائیه همکاری کنند و استعلامات موردنیاز قوه قضائیه را به صورت الکترونیک و در کمترین زمان ممکن از طریق سامانه مذکور پاسخ دهند.

علاوه بر مطالب بالا گفته که همگی بر ضرورت تسریع قوه قضائیه در امر هوشمند سازی خود و تحقق قوه قضائیه الکترونیک تأکید دارند، رهبری معظم انقلاب نیز در حکم ریاست قوه قضائیه خطاب به آیت‌الله رئیسی بیان داشتند: آغاز دهه‌ی پنجم انقلاب و گذشت چهل سال از تشکیل دادگستری مبتنی بر فقه و حقوق اسلامی، ایجاب می‌کند که با تکیه بر تجربه‌ها و دستاوردها و رهنمودهای انباشته در این نصاب زمانی، تحوُّلی متناسب با نیازها و پیشرفت‌ها و تنگناها در قوه قضائیه صورت گیرد و دستگاه عدالت با نَفْسی تازه و انگیزه‌ای مضاعف و نظم و تدبیری حکمت‌آمیز، دوران جدیدی را که زیننده‌ی گام دوم انقلاب است، با قدرت و جدیت آغاز کند. بر این اساس نیاز است تا قوه قضائیه در دوره تحول به وسیله بسیج همه ظرفیت‌های خود و استفاده از نخبگان حوزه آی‌تی و همچنین با همکاری اندیشکده‌ها امر هوشمندسازی قوه را تکمیل نماید.

۳- پیشنهادهای سیاستی

۱. ایجاد و تکمیل سامانه‌های تکلیف شده در برنامه ششم توسعه و گسترش ارتباط برخط این سامانه با همه نهادها و ارگان‌های مربوط؛
۲. تربیت و افزایش توانمندی‌های نیروی انسانی موجود در کنار شناسایی و به‌کارگیری نیروهای مؤمن متخصص، به منظور طراحی، پیاده‌سازی و توسعه سیستم‌های کاربردی مبتنی بر فناوری اطلاعات؛
۳. شناسایی تمام فرایندهایی که قابلیت الکترونیک شدن دارند با رویکردهای تسهیل ارائه خدمات به مردم، کاهش اطاله دادرسی و کاهش فساد و تخلفات اداری درون قوه؛
۴. یکپارچه‌سازی و هوشمندسازی سامانه‌های موجود قوه و ایجاد ارتباط برخط با تمام ارگان‌های مربوطه؛
۵. در جایگزینی شیوه‌های سنتی با مکانیزم‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات اولویت با فرایندها و سامانه‌هایی باشد که تأثیر و نقش بیشتری در بهبود ارائه خدمات به مراجعین داشته باشد؛
۶. استفاده از فناوری‌های نوین جهت مشاوره قضائی و آموزش جذاب مسائل حقوقی مبتلا به جامعه با هدف افزایش آگاهی‌های حقوقی عموم مردم (ساخت اپلیکیشن‌های با کیفیت جهت مشاوره و راهنمایی قضائی و ارائه آن

به مراجعه کنندگان به قوه قضائیه، تولید برنامه‌های جذاب تلویزیونی حقوقی؛

۷. پیگیری ایجاد سامانه‌ها و پایگاه‌های داده دقیق، یکپارچه و هوشمند جهت ثبت، تحلیل و پردازش همه اطلاعات مربوط به جرائم اعم از زمان، مکان، اطلاعات شخصی مجرم و بزه دیده و دیگر علل و عوامل دخیل در وقوع جرم به منظور کشف ریشه‌های جرایم و استفاده در پیشگیری هوشمند و هماهنگ از جرایم.

واقعاً هر بخشی از نظام جمهوری اسلامی که می‌تواند کمکی به حرکت اقتصادی جامعه بکند، وظیفه‌اش را انجام بدهد.... یک نکته‌ی دیگر تشکیل دادگاه‌های تجاری است که من قبلاً هم این را برای رفع اختلافات اقتصادی گفته‌ام.

بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه، ۹۹/۴/۴

یادداشت
سیاستی

فرازونشیب‌های «لایحه تجارت»

علی نیکپخت (پژوهشگر مهمان کارگروه حقوقی - قضائی)
حسن راستی‌پروچنی (پژوهشگر مهمان کارگروه حقوقی - قضائی)



۱- پیشگفتار

قانون تجارت، یکی از مهم‌ترین قوانین کشور است که اساس بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد. از این گذشته، تحقق بخش قابل توجهی از جنبه‌های اقتصاد مقاومتی، رونق بخشیدن به تولید داخل و دیگر مطالبات مقام معظم رهبری به کارآمدی این قانون بستگی دارد. به همین دلایل توجه به این قانون از اهمیت بالایی برای کشور برخوردار است.

۲- «لایحه تجارت» و سرگذشت آن در مجلس

در راستای به‌روزرسانی قانون تجارت «لایحه تجارت» در سال ۱۳۸۴ توسط دولت به مجلس ارائه شد. این لایحه به دلیل نواقص و مشکلات متعدد، سال‌ها کنار گذاشته شده بود تا اینکه در دوره قبلی مجلس، نمایندگان کمیسیون حقوقی و قضایی بر آن شدند که این لایحه را به تصویب برسانند. با توجه به نگاه کمی‌گرای مجلس دهم و عدم دقت نظر آن‌ها در زمینه مسائل مهم کشور، متأسفانه لایحه ضعیف دولت توسط آنان در مدت‌زمان کوتاهی و بدون انجام کار کارشناسی کافی به کلی تغییر پیدا کرد و علاوه بر این مباحث زیادی هم به آن اضافه شد. در ادامه مجلس دوره دهم به‌صورت کاملاً شتاب‌زده و بدون بررسی دقیق به تصویب مواد لایحه پرداخت به‌نحوی که در مدت بسیار کوتاهی بیش از ۴۵۰ ماده از آن به تصویب رسید و به همین دلیل چنین

رویکردی در قبال یکی از مهم‌ترین قوانین کشور مورد انتقاد بسیاری از کارشناسان واقع شد (سرعت بالای تصویب این مواد را می‌توان به عنوان رکورد ثبت کرد). با اینکه نمایندگان مجلس دهم قصد داشتند با همین رویکرد تمام مواد «لایحه تجارت» را که بالغ بر ۱۲۶۰ ماده می‌شود را به تصویب برسانند؛ اما خوشبختانه به دلیل انتقادات زیاد فعالین حوزه اقتصاد مقاومتی و همچنین کارشناسان و دلسوزان کشور این روند متوقف شد و در نهایت تنها ۴۹۰ ماده از این لایحه به تصویب رسید و در نهایت مواد تصویب‌شده در آخرین روزهای مجلس دهم برای شورای نگهبان ارسال شد.

از جمله منتقدین لایحه تجارت می‌توان به تشکل‌های صنفی متعدد از جمله مجمع کارآفرینان (با بیش از ۴۰۰۰ واحد تولیدی عضو)، انجمن استاندارد (با بیش از ۱۳۰۰ عضو)، انجمن صنفی کارفرمایی صندوق‌ها و نهادهای سرمایه‌گذاری خطرپذیر، اتاق بازرگانی ایران، ۲۳ دفتر بسیج دانشجویی و تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی (۱۳ نماینده) اشاره کرد. این مراکز و تشکل‌ها در نامه‌های متعدد به سران قوا، شورای نگهبان، قوه قضائیه، ریاست مجلس درخواست داشتند که فرآیند تصویب لایحه تجارت متوقف شود و به مواد تصویب‌شده ترتیب اثر داده نشود. چراکه بررسی مواد لایحه تجارت حاکی از ایرادات و ابهامات بسیار زیاد است؛ به نحوی که

لازم الاجرا نشدن آن نه تنها سبب بهبود اوضاع نخواهد شد بلکه سبب تأثیرات منفی بسیار زیاد برای کشور خواهد شد.

۳- انتقادات مطرح شده نسبت به «لایحه تجارت»

با توجه به اهمیت لایحه تجارت این لایحه تأثیرات زائدالوصفی بر فضای اقتصادی و محیط کسب و کار کشور دارد. اهم نقدهای وارده فعالین این حوزه را می توان به صورت زیر دسته بندی کرد:

۱. معطوف نبودن به نیازهای واقعی (مغایرت با سیاست‌های کلی نظام قانون گذاری). اصولاً باید تغییر و اصلاح قوانین مبتنی بر مسئله شناسی دقیق و در جهت رفع نیازهای واقعی صورت بگیرد. در غیر این صورت تغییر قانون نه تنها سبب رفع مشکلات فعلی نخواهد شد بلکه مشکلات جدید را ایجاد خواهد کرد. با این وجود متأسفانه در تدوین لایحه تجارت مشکلات اقتصادی و محیط کسب و کار کشور لحاظ نشده و در یک فضای انتزاعی به تدوین قانون پرداخته شده است؛
۲. استفاده نکردن از نظرات فعالین بخش خصوصی در تدوین آن (مغایرت با سیاست‌های کلی نظام قانون گذاری و قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار). متأسفانه در تدوین لایحه تجارت به نظرات فعالین این حوزه، توجه نشده و مشکلات آن‌ها در نظر گرفته نشده است؛

۳. ابهام و تفسیرپذیری بالای لایحه تجارت و آثار سوء آن بر محیط کسب‌وکار و بدتر شدن وضعیت کشور در این زمینه؛

۴. افزایش امکان سوءاستفاده در روابط اقتصادی، کاهش پیش‌بینی‌پذیری قراردادها، کاهش امنیت سرمایه‌گذاری و بر هم خوردن نظم تجاری کشور. مواد مختلف لایحه تجارت دارای مشکلات و ایرادات عدیده هستند به‌نحوی که سبب ایجاد اختلالات گسترده در محیط اقتصادی کشور می‌شوند؛

۵. سازوکارهای اشتباه لایحه تجارت که به کاهش قدرت ریسک‌پذیری بنگاه‌ها، کاهش سرعت و افزایش هزینه قراردادها منتهی می‌شود. چنین ایراداتی سبب وخیم‌تر شدن فضای کسب‌وکار در کشور و افزایش هزینه‌های تولید می‌شود؛

۶. آثار سوء این لایحه بر افزایش پرونده‌های قضایی و اطاله دادرسی و تشتت آرای قضایی؛

۷. رعایت نشدن موارد مطرح‌شده در بند نهم سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری در تدوین لایحه تجارت. بسیاری از موارد تأکید شده در بند نهم این سیاست‌ها در تدوین لایحه تجارت لحاظ نشده است. برای مثال به اذعان بسیاری از کارشناسان، به‌خصوص کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس^۱

۱. گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس: اظهارنظر کارشناسی درباره «لایحه تجارت» ۱. ارزیابی کلی لایحه؛ کد موضوعی ۲۴۰؛ شماره مسلسل ۹۵۹۹.

تغییر یکباره قانون تجارت کاملاً مغایر با اصل «قابل اجرا بودن قانون و قابل سنجش بودن اجرای آن» است.

۴- انتظار تولیدکنندگان و فعالین اقتصاد مقاومتی؛ عبرت‌های «لایحه تجارت»

با توجه به اینکه قوانین، زیرساخت‌های اصلی هر کشور در جهت تحقق اهداف هستند، برای تحقق جهش تولید و پیروزی در جنگ اقتصادی، نیاز مبرم است که به قانون‌گذاری و شیوه‌های درست آن در کشور توجه ویژه شود. باید توجه داشت که یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کشور که سبب اختلال در تحقق اهداف و پیشرفت آن شده، شیوه اشتباه تدوین و تصویب قوانین است که در آن به جای قانون‌گذاری مبتنی بر مسئله‌شناسی دقیق و معطوف بودن به نیازهای واقعی، بر کمیت‌گرایی تأکید می‌شود.

لایحه تجارت یکی از مصادیق قانون‌گذاری اشتباه در کشور است که در آن حجم انبوهی از مواد قانونی بدون در نظر ملاحظات لازم به تصویب رسید. این روند اشتباه در صورت عدم نقش‌آفرینی فعالین حوزه تولید و اقتصاد مقاومتی می‌توانست به آسیب‌های فراوانی برای کشور منتهی شود که خوشبختانه مواد تصویب‌شده به تأیید شورای نگهبان نرسید.

در این خصوص انتظار فعالین حوزه محیط کسب و کار و اقتصاد مقاومتی این است که «لایحه تجارت» به کلی کنار گذاشته شود و برای اصلاح قانون تجارت فعلی تنها به تغییرات موردی و متناسب با رفع مشکلات فعالین اقتصادی توجه شود. در غیر این صورت تغییر قوانین نه تنها سبب بهبود امور نخواهد شد، بلکه سبب از بین رفتن نظم موجود در کشور و بروز هرج و مرج خواهد شد.

قانون‌گذاری مطلوب یکی از ابر مسائل کشور است که هنوز فاصله بسیاری تا تحقق آن وجود دارد و تا وقتی سازوکارهای موجود در این زمینه اصلاح نشود کشور اصلاح نخواهد شد.

قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

- ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می کند.
- ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع؛
- ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین؛
- ۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام؛
- ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل یکصد و پنجاه و ششم



تهران، بالاتر از چهارراه ولیعصر (عج)، خیابان بزرگمهر، خیابان سرپرست، پلاک ۱

شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۹۷۴۳۲۸

وبگاه: www.hekmatac.ir



hekmatac